

جرات داری مارا به چالش بکشی؟

زنگ رشد در دبستان
شهید احمدی روشن
در اسلام شهر

زهرآ صنعتگران
عکاس: رضا بهرامی

اشاره

تمام مدرسه ساکن است. فقط سروصدای یک کلاس در راهرو پیچیده است؛ همان کلاسی که روی تخته‌اش نوشته‌اند «زنگ رشد». برعکس سایر دوره‌ها، دبستان شلوغ امیدوارم می‌کند، چرا که مطمئن می‌شوم که قرار نیست چند ساعت وقتم را در یک کلاس بی‌روح بگذرانم. بچه‌ها به محض ورودمان، طبق عادت معمول، جمله‌ای را که برای استقبال انتخاب کرده‌اند، به بلندترین شکل ممکن فریاد می‌زنند و بعد از آن دست به سینه و ساکت پشت صندلی‌هایشان جا می‌گیرند. بیشتر یاد روزهایی می‌افتم که مدیر، معلم و ناظم از شخصی فضایی به اسم بازرس حرف می‌زدند و ما مجبور می‌شدیم تمام مدتی که آن آقا یا خانم در کلاسمان حضور داشت، عصا قورت داده و رسمی، تعداد نفس‌هایمان را براساس جهت وزش باد تنظیم کنیم!

کنار یکی از بچه‌ها می‌نشینم و از خانم **رسولی**، آموزگار پایه‌ی چهارم و مسئول اجرای طرح، خواهش می‌کنم که به روال معمول کار خودش را جلو ببرد. اگرچه حضور ما و مسئولان تا حد زیادی باعث سنگینی فضا شده است، اما خوشبختانه به مرور دانش‌آموزان جلو می‌آیند و می‌خواهند

مجله

به دست، داده‌های خود را به رخ غریبه‌های فضایی حاضر در کلاس بکشند.

«زنگ رشد» ساعتی است که در آن دانش‌آموزان به‌صورت گروهی مجله‌ی رشد را ورق می‌زنند و هر کدام برحسب علاقه‌ی شخصی، پیگیر یکی از آزمایش‌ها، مطالب هنری، علمی یا ادبی مجله می‌شوند. به جز ما، گروه غریبه‌ی دیگری نیز در کلاس حضور دارند؛ اولیا! اتفاقاً یکی از بخش‌های جالب توجه و تحسین‌برانگیز «زنگ رشد» همین بخش است. در تمام کلاس‌های دبستان احمدی روشن دانش‌آموزان گروه‌بندی شده‌اند و هر ماه یک گروه از مادران در «زنگ رشد» شرکت می‌کنند تا هم در پذیرایی سهمی داشته باشند و هم کنار فرزندانشان مجله را بخوانند. این امر با وجود ایجاد تنوع در فضای یکنواخت کلاس، مادران را درگیر مسائلی می‌کند که شاید در زندگی روزمره‌ی مادر اهمیت چندانی نداشته باشد، اما برای فرزندان مهم است.

خانم رسولی می‌گوید، پذیرایی را براساس آموزش‌های صفحه‌ی آشپزی مجله‌ی رشد تنظیم کردیم، اما بعضی از اولیا غذاهای محلی درست کردند و پس از گذشت چند جلسه حضورشان باعث شد بین خودشان نیز فضای رقابتی سرزنده‌ای به‌وجود بیاید. تهیه‌ی روزنامه‌ی دیواری، ساختن کاردستی، اجرای نمایش و... از مجموع کارهایی است که دانش‌آموزان متناسب با ایام سال و محتوای مجله انجام می‌دهند. این تقسیم کار بین اعضای کلاس، علاوه بر ترویج کار گروهی، به خواننده شدن قسمت‌های مختلف رشد نیز کمک کرده است.

گروه مجلات رشد چند دهه است که فعالیتش را آغاز کرده و تقریباً در بیشتر مدارس سطح کشور توزیع می‌شود، اما متأسفانه هنوز آن‌قدر پیش نرفته‌ایم تا شاهد به چالش کشیده شدن محتوای مجله توسط خود دانش‌آموزان باشیم. چرا؟ آیا می‌توان تنها دلیل



و حوصله‌ی این نوع برنامه‌ها را نداشتند، یا ادعا می‌کردند فرصت انجام چنین کارهایی نیست و خواندن مجلات خارج از درس وقت تلف کردن است.

توجیه شما در جواب این دسته از دوستان چه بود؟

در تمام کارها همیشه یک عده مخالفانند. به نظر من ما می‌توانیم به محتوای رشد اعتماد داشته باشیم. مدرسه به غیر از درس چیزهای دیگری هم لازم دارد. از یک جایی به بعد من سعی کردم بیشتر از توجیه کردن مخالفان، که جمعیت چندانی هم نداشتند، تمرکز را روی خود کار بگذارم!

اجرای این طرح چه نتیجه‌ی غیر قابل پیش‌بینی برای خودتان داشت؟

دانش‌آموزی داشتیم که حتی درس‌های عادی‌اش را نمی‌خواند، اما برای زنگ رشد داوطلب شد. آن دانش‌آموز مشکل خانوادگی دارد و به تازگی پدرش را هم از دست داده است، با آن وضع تحصیلی، امکان اینکه به مرور خودش را هم از دست بدهیم کم نبود. ولی او برای زنگ رشد داوطلب شد. وقتی زنگ رشد نتیجه‌ی عینی‌اش را جلوی چشمم به نمایش گذاشت، واقعا غافلگیر شدم و انگیزه‌ی زیادی برای ادامه دادن این راه پیدا کردم.

هر ایده‌ی زمانی که اجرایی می‌شود، نواقص خود را نشان می‌دهد. به نظر شما ایرادهای زنگ رشد تا این لحظه چه چیزهایی بوده است؟

بچه‌ها به شدت قالب‌های سخت و رسمی دارند. البته با توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود، خود ما هم در بازتولید این قالب‌ها تأثیر می‌گذاریم، اما زمانی که بحث، بحث کار پرورشی است، قالب داشتن واقعاً دست و پاگیر می‌شود.

گفتید زنگ رشد تا حد زیادی زمینه‌ی آموزشی دارد. چه کار کردید تا این آموزشی بودن و تکرار شدنش کسالت‌بار نشود؟

من اول هر سال هشت واحد کاری برای پایه‌ها تعیین می‌کنم، اما در نهایت دست دبیران باز است تا به اقتضای موقعیت و نیاز کلاس خودشان تصمیم بگیرند که طرح زنگ رشد را چطور اجرایی کنند. ما

این ضعف را بر گردن نویسندگان و طراحان مجله انداخت؟ آیا پایین آمدن میزان مطالعه دلیل موجهی برای دیده نشدن مجلات رشد است؟ البته که تمام این عوامل به خودی خود تأثیر قابل توجهی دارند، اما به نظر شما نباید به نقش مدیران و مدارس نیز در این رابطه بپردازیم؟

جلال مقصودی، مدیر دبستان شهید احمدی روشن، حدود دو سال است با اجرای طرح «زنگ رشد» فرصتی را ایجاد کرده است تا بچه‌ها در فضایی جمعی ارتباط نزدیکی با مجلات برقرار کنند. جمعیت بالای دانش‌آموزان و تغییرات وقت و بی‌وقت سیستم آموزشی و کتاب‌های درسی، قطعاً زمان زیادی از معلمان می‌گیرد. اما اختصاص دادن ساعتی مشخص برای مطالعه، به‌خصوص در مدارس ابتدایی که شخصیت دانش‌آموزان تا حد زیادی وابسته به برنامه‌هایی است که مدیر و معلمان برایشان طراحی می‌کنند، باعث بالا رفتن میزان کتاب‌خوانی و همچنین ارتقای سطح کیفی مجلات - پس از دریافت بازخوردهای مثبت و منفی افراد - خواهد بود. در ادامه‌ی این فرصت به گفت‌وگو با مدیر و یکی از مجریان «زنگ رشد» و همچنین بررسی محاسن و معایب این طرح می‌پردازیم.

«وظیفه‌ی اصلی مدرسه تربیت شهروند متعهد است»

آقای مقصودی اصلاً چرا به فکر برگزار کردن چنین طرحی افتادید؟

در بحث تهیه‌ی مجله به مشکل برخوردیم، مقاومت خانواده‌ها و شنیدن مدام این جمله که «بچه مجله رو می‌گیره اما نمی‌خونه» باعث شد مقداری جدی‌تر به قضیه نگاه کنیم و دنبال برنامه‌ای باشیم تا از مطالب مجله در کنار درس‌ها استفاده شود.

زمان اجرای طرح به مشکل یا مانع خاصی برخورد نکردید؟

در شورای معلمان مدرسه به یک اجماع آرا رسیدیم. خوشبختانه اکثر همکاران واقعاً همراه بودند، اما شاید از ۱۰۰ درصد ۲۰ درصد آموزگاران همکاری نکردند. حالا یا به دلیل اینکه پایان سال‌های خدمتشان بود





از ظرفیت دانش‌آموزان و خانواده‌ها در این مسیر استفاده می‌کنیم.

امکانش هست برای مثال، چند مورد از این همکاری با دانش‌آموزان و خانواده‌ها را برایمان توضیح دهید؟

بله. مثلاً مادر یکی از بچه‌ها در کتابخانه‌ی ملی کار می‌کرد. با هماهنگی ایشان تعداد زیادی کتاب به کتابخانه‌ی مدرسه اهدا شد. از طرف دیگر جشن اهدای کتاب را برگزار کردیم و نزدیک به ۳۰۰ کتاب از طرف خود بچه‌ها جمع‌آوری شد. همین امر باعث شد الان در تمام کلاس‌های مدرسه کتابخانه‌های نسبتاً خوبی داشته باشیم.

شما کی از سر و کله زدن با بچه‌ها کلافه می‌شوید؟

وقتی می‌بینم رفتارهایی غیراخلاقی از آن‌ها سر می‌زند که تقصیر خودشان نیست. آن رفتارها آدم را کلافه می‌کند. اما خودمان می‌دانیم کسی که جلوی‌ایستاده‌ایم فقط یک قربانی است که طوطی‌وار یک حرکت زشت را تکرار کرده است و شاید حتی از میزان زشت بودن کارش هم بی‌خبر باشد. این‌طور وقت‌ها آرامش و اعصاب آدم به هم می‌ریزد.

وقتی کلافه‌اید چه چیزی برای ادامه دادن مسیر در شما انگیزه ایجاد می‌کند؟

همیشه بهبودهای از بالا به پایین را، اگر که بهبود در کار باشد، به چشم یک اتفاق خوب یا جایزه می‌بینم و طبیعتاً خوش حال می‌شوم. اما همیشه منتظر اینکه تغییرات سیستمی خوش‌حالم کنند نمی‌مانم. با خودم می‌گویم وضعیت این است. همیشه حقوق معلم کمتر از پزشک و تاجر بوده، اما خانواده‌ها و دانش‌آموزان مسبب این امر نیستند. اگر ما هم بخواهیم منتظر معجزه بمانیم، بهترین سال‌های اثرپذیری دانش‌آموزانی را که می‌توانند عناصر کلیدی تغییر در آینده باشند از دست داده‌ایم!

به‌عنوان کلام آخر، پیشنهادی برای مدیران، آموزگاران یا عوامل گروه مجلات رشد ندارید؟

شاید مدارس زیادی طرح‌های جدیدی، در

حد توان خود داشته باشد؛ اما سرزدن رشد، پیگیری‌ها و ایجاد رقابت کردن‌هایش باعث می‌شود انگیزه‌ی مدیران و مدارس بیشتر بشود و هم اعضای خود مجله از نزدیک شاهد وضعیت کلاس‌ها، دانش‌آموزان و... باشند. به‌نظر من مکتوب کردن هر چیز خودش قضیه را جدی‌تر و منسجم می‌کند. اگر در کار گروهی موفق شدم، یکی از دلایلیش این بود که بچه‌ها موقع غذا خوردن، بازی، تقسیم مجله، ارائه‌ی مطالب و همه جا، کنار هم بودن را تجربه کردند، نه فقط در یک ربع و نیم ساعت مشخص. سرگروه‌ها را نیز فقط از قوی‌ترین دانش‌آموزان کلاس انتخاب نکردم و گذاشتم خودشان هر کس را دوست دارند انتخاب کنند تا برای همکاری با یکدیگر اکراه نداشته باشند.

طرح‌های تشویقی‌ام فقط برای درس نبود. طرح تشویق لقمه گذاشتم. بچه‌هایی که اکثراً صبحانه نمی‌خورند، با چند ستاره و عکس برگردان ترغیب شدند تا صبح به صبح همراه خودشان یک لقمه بیاورند. ما گاهی داوطلبان را براساس اینکه کدام یک قشنگ‌تر می‌خندند انتخاب می‌کنیم. عکس دانش‌آموزان برتر را به دیوار کلاس خودمان یا پشت در می‌زنیم و جوایز کوچکی با همکاری اولیا برایشان تهیه می‌کنیم.

موقع درس اشکال هندسی ساختیم و با نمایش ریاضی یاد گرفتیم. مسابقه‌ی پانتومیم بین بچه‌ها و اولیا راه انداختیم. مسابقه و بازی تأثیر زیادی در شاد شدن فضای کلاس ما داشت.

متأسفانه امکانات آزمایشگاه فوق‌العاده محدود است. از حیاط نمی‌توانیم استفاده کنیم، چون تقریباً در تمام روزهای هفته یک گروه از پایه‌های دیگر ورزش دارند. نور و تهویه‌ی خود کلاس هم بد است و با این شرایط از دانش‌آموز انتظار داریم پنج ساعت پشت نیمکت بنشینند و بازدهی بالا داشته باشد. باور کنید خود ما هم به جای آن‌ها باشیم دوام نمی‌آوریم!

